

چگونگی کشف قواعد صرفی و نحوی از اشعار عرب

سید محمد علی هاشمی^۱

چکیده

قواعد علوم زبانی مانند لغت، صرف و نحو مبتنی بر کشف است؛ یعنی این قواعد را باید از استعمالات اهل زبان کشف کرد. پرسش این است که روش کشف قواعد و معانی از این استعمالات چیست؟ یکی از کاربردی‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌ها برای دریافت قواعد صرفی و نحوی، مراجعه به شعر عرب است. هر چند کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه اصول نحو به نگارش درآمده، اما هیچ کدام به تبیین روش کشف قواعد و معانی آنها نپرداخته است. با توجه به اهمیت اشعار عرب در میان استعمالات، این نوشتار با اشاره‌ای اجمالی به راهکاری می‌پردازد که محقق را با روش کشف قواعد صرفی و نحوی از اشعار عرب آشنا کند.

واژگان کلیدی

شعر عرب، استعمالات عرب، الشواهد الشعریة، سیبویه، ادبیات عرب

درآمد

یکی از مخلوقات و آیات الهی، زبانی است که اقوام بشر از آن برای اندیشیدن و انتقال اندیشه استفاده می‌کنند. آنچه این ابزار را به آیه‌ای شاخص از آیات الهی بدل کرده، تفاوت‌ها و گونه‌های بسیار آن است؛ چه اینکه هر کدام قواعد خاص خود را داشته و با نظام و انسجام پیچیده‌ای که دارند ابزار تفکر و رکن تعامل بشر هستند.

سیالیت و پویایی زبان باعث شده، نه تنها در جغرافیا و اقوام مختلف، دارای گونه‌های مختلف باشد، که در طول زمان و اعصار نیز دچار تطورات و دگرگونی‌هایی شود؛ حتی تطوّر برخی از زبان‌ها بعد از چند قرن به جایی می‌رسد که فهم سخنان پیشینیان برای پسینیان دشوار می‌گردد. از این رو اندیشمندان به مطالعه زبان و گونه‌های آن می‌پردازند تا بتوانند از میراث پیشینیان بهره‌برند و نیز با اقوام دیگر تعامل کنند.

۱. پژوهشگر مؤسسه سید مرتضی (ره)، قم. (بر اساس جلسه‌ای از درس فقه اللغة حجت الاسلام و المسلمین احسانی‌فر)

زبان عربی در طول اعصار، دچار تغییرات و تطوّراتی گشته و فهم دقیق محصولات زبانی قرون گذشته، نیازمند کشف قواعدی است. فهم زبان عربی و کشف قواعد آن از این جهت دارای اهمیت مضاعف است که منابع دین خاتم به این زبان نازل و صادر گشته و فهم دقیق این منابع، نیازمند فهم دقیق زبان عربی عصر نزول قرآن و صدور حدیث است.

فهم یک زبان، نیازمند فهم جنبه‌های مختلف آن شامل لغت، صرف، نحو، بلاغت، آواشناسی، حروف‌شناسی و اموری دیگر است. قواعد زبان، هرچند از قیاس بهره می‌برد ولی ریشه آن کشف است نه جعل و قیاس. از این رو تنها با مطالعه استعمالات اهل زبان می‌توان به این قواعد دست یافت. ادیبان عرب تلاش کرده‌اند تا قواعد را از منابع استخراج کنند و در این زمینه آثار متعددی نگاشته‌اند. برای پژوهشگران علوم ادبی و نیز پژوهشیان علوم اسلامی، شناخت روش ادیبان در کشف این قواعد، اهمیت دارد؛ زیرا این روش، از پایه‌های اجتهاد در علوم ادبی و موجب قوّت اندیشمند اسلامی در گزینش و پذیرش اقوال ادیبان است. در زمینه لغت، دانش فقه اللغة به ارایه مبانی و قواعدی می‌پردازد که برای کشف معنای لغات از منابع زبان، کاربرد دارد.

با توجه به اهمیت صرف و نحو در فهم و به کارگیری زبان، نیاز است تا همچون لغت، روش‌های کشف قواعد صرفی و نحوی، مشخص گردد. بسی از این روش‌ها با شیوه‌های کشف قواعد لغوی یکسان است و برخی از آنها نیازمند تبیین ویژه صرف و نحو.

یکی از مهم‌ترین روش‌های کشف قواعد، مراجعه به شعر عرب است. این نوشتار در صدد معرفی اجمالی مسیری است که محقق با طی آن بتواند از شعر عرب برای کشف قواعد صرفی و نحوی، تا حدودی بهره گیرد.

پژوهشی که به طور ویژه، چگونگی بهره‌گیری از شعر عرب برای کشف و فهم قواعد صرفی و نحوی را محور سخن خویش قرار داده باشد، یافت نشد. البته از کتاب‌های مرتبطی چون «اصول النحو العربی»، نوشته محمود احمد نحله، «اصول النحو العربی فی نظر النحاة و رأی ابن مضاء و ضوء علم اللغة الحدیث» نوشته محمد عید، «اصول النحو»، گردآوری شده توسط دانشگاه بین‌المللی مدینه می‌توان استفاده کرد. این کتاب‌ها به تبیین مبانی و فلسفه نحو و منابع آن پرداخته‌اند و هیچکدام روش کشف قواعد ادبی از شعر عرب را بیان نکرده‌اند. در این میان، کتاب «اصول النحو عند السیوطی بین النظریة و التطبيق» نوشته عصام عید فهمی ابوغریبه، افزون بر بررسی مبانی و منابع استخراج قواعد، به برخی استشهادات نحوی، صرفی و صوتی سیوطی از اشعار نیز پرداخته است؛ اما مطالب این اثر، محدود به سیوطی بوده و هدف آن معرفی مسیر فهم روش سیوطی در کشف قواعد نبوده است بلکه برای معرفی حیطه استشهادات وی، نمونه‌هایی از اشعار را آورده است.

الف) شعر، منبعی برای کشف قواعد صرفی و نحوی

کشف قواعد صرف و نحو، از استعمالات اهل زبان صورت می‌گیرد. هدف محقق از استنباط قواعد صرف و نحو، بر گستره و گونه شواهد استخراجی او اثرگذار خواهد بود. پیش‌فرض این نوشتار آن است که محقق در پی کشف قواعد صرفی و نحوی برای فهم بهتر آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است.

۱. جایگاه شعر نسبت به منابع دیگر

یکی از منابعی که ادیبان از آن برای کشف قواعد صرفی و نحوی بهره می‌گیرند، اشعار عرب است. در میان آنها و نیز در بین لغویان، شعر، اهمیتی بیش از نثر داشته و میزان استناد به شعر بیش از نثر است. شعر عرب، نشان‌دهنده فرهنگ و سبک زندگی عرب است. اشعار عرب، حتی بیش از روایات نبوی، مورد حفاظت قرار گرفته است؛ چه اینکه سوگ‌مندان، روایات نبوی دچار دستور منع نگارش و نقل شد و فترتی لفظی را تجربه کرد. پس از آن نیز، آنچه در اذهان باقی مانده بود، به روی کاغذ آمد که الزاماً هم‌هانش همان الفاظ نبوی نبود. در برابر، الفاظ آیات قرآنی به طور کامل حفظ شد و به صورت متواتر نقل و نگارش گشت. با توجه به اینکه در برخی از قواعد، تعداد آیاتی که بتوان از آن به طور تفصیلی، بهره صرفی و نحوی برد، اندک بوده و برای برخی دیگر از قواعد، نمونه‌ای از قرآن کریم یافت نمی‌شود، ادیبان ناچارند تا برای فهم همه قواعد، از منبعی به جز قرآن کریم نیز استفاده کنند که آن، شعر عرب است. چه بسیاری قواعدی که در قرآن کریم، کاربرد نداشته ولی در فهم احادیث، مورد نیازند. از این رو، حتی ادیبانی که با هدف فهم برتر قرآن و حدیث، کتاب می‌نگاشتند نیز از شعر و نثر عرب برای تکمیل و فهم قواعد بهره برده‌اند.

فضیلت شعر نسبت به نثر شاید از آن رو باشد که شعر، دارای عروض و قافیه است و این عامل، سبب می‌شود که ادیب بتواند نوع خوانش و اعراب نص را به آسانی کشف کند؛ به خلاف نثر که چنین امتیازی در آن وجود ندارد. بله، نثر مسجّع امتیازی فزون‌تر از نثر عادی دارد اما قوت و امکانات شعر را در درون خود ندارد. از سوی دیگر، اشعار به دلیل قالب خاصشان، بهتر در ذهن عرب استقرار می‌یافت و نقل لفظ در آن آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر بود.

۲. شرط بهره‌گیری از شعر در کشف قواعد صرفی و نحوی

برای بهره‌گیری از شعر در کشف قواعد صرفی و نحوی در راستای فهم معانی قرآن و حدیث، باید به یک شرط توجه کرد: تنها استعمالاتی برای کشف قواعد قابل استفاده خواهد بود که در زمان نزول قرآن و صدور حدیث و یا پیش از آن رخ داده باشد. به همین دلیل، اندیشمندان ادب عربی، محدوده استعمالات قابل استفاده برای این هدف را کاربردهای قبل از قرن چهارم می‌دانند.

کاربری‌های پیش از دوران نزول قرآن کریم، افزون بر آنکه در شناخت قواعد اصیل صرف و نحو، کاربرد دارد، برای شناخت قواعد صرف و نحو قرآن کریم و روایات نبوی نیز به کار می‌آید.

محدوده جغرافیایی استعمالات قابل استفاده، مناطقی است که نزول قرآن و صدور حدیث در آن روی داده است. همچنین گستره زمانی استعمالات در این مناطق، تا جایی است که از اختلاط اقوام عرب با غیر عرب و یا تطورات شدید، محفوظ مانده باشد.^۲

اکنون پرسشی که به عنوان یک دغدغه مطرح می‌شود آن است که آیا قواعد استخراج شده از شعر می‌تواند در برداشت از قرآن و حدیث به کار آید؟ بله، زیرا از شعر قواعد چندی استخراج می‌شود. قواعد عروض و قافیه، تنها در اشعار دیگر کاربرد دارد ولی قواعد صرف و نحو و لغت و ... در دانش‌های مرتبط با خود و در قالب نثر نیز کاربرد دارد؛ یعنی قواعد صرفی و نحوی مستخرج از شعر برای نثر نیز قابل استفاده است.

(ب) آشنایی با دو منبع شعری

شعر عرب در میان دیوان‌های شعری اصیل، گردآوری شده است. در روزگار کنونی برخی از این دیوان‌ها از حالت دستنویس خارج شده و به چاپ رسیده‌اند. این دیوان‌ها قابل مراجعه هستند. در مطالعه این اشعار باید با مهندسی معکوس، قواعد را استخراج کرد. اما راهی ساده‌تر نیز وجود دارد.

بعضی از محققان ادب عربی، اشعاری را که ادیبان به عنوان شواهد قواعد ادبی به کار برده‌اند، استخراج کرده و به شرح آن پرداخته‌اند. با بهره‌گیری از این کتاب‌ها، به سادگی، محل شاهد و کیفیت استشهاد به شعر روشن می‌شود. مطالعه مستمر این آثار می‌تواند پژوهشگران را در پیدا کردن نمونه‌های شعری و مهندسی معکوس آن برای استخراج و یا پایش و پالایش قواعد، یاری رساند. در ادامه دو کتاب مرجع که به گردآوری شواهد شعری پرداخته‌اند معرفی می‌شود.

۱. شرح الشواهد الشعرية في امات كتب النحوية

کتاب شرح الشواهد الشعرية في امات الكتب النحوية، اثر محمد بن محمد حسن شراب است. او این مجموعه را به زبان عربی و مشتمل بر چهار هزار شاهد شعری در علم نحو و در سه جلد نوشته است.

مؤلف در مقدمه کتابش، انگیزه تألیف را دسترسی نداشتن دانش‌پژوهان و اهل علم به مجموعه‌های شعری قدیم و سخت‌بودن بهره‌گیری از آنها برای یافتن اشعار شمرده است.

۲. ن. ک: الخصائص، ج ۱، ص ۳۹۳؛ القرارات النحوية، ص ۶۸۵؛ اصول النحو، ج ۱، ص ۲۵۳؛ المدارس النحوية، ص ۲۱.

در این کتاب از ۹۰۰ شاعر، حدود چهار هزار شاهد شعری ذکر و بر اساس قوافی اشعار، ترتیب‌بندی شده است.

نویسنده در این کتاب، شواهد شعری را از منابع مختلف نحوی استخراج و آنها را شرح کرده است. این کتاب معجمی است برای شواهد شعری متداول در کتاب‌های نحو و شروح آنها که منابع خود را از کتاب سیبویه آغاز نموده است. او افزون بر شواهدی که در کتب نحو قدیمی بوده، شواهد شعری کتاب‌های متأخر را نیز از کتاب «جامع الدروس العربیة» اثر شیخ مصطفی غلابینی، گرفته و در کتاب خویش آورده است. استفاده از کتاب جامع الدروس العربیة، مورد تأکید استاد مؤلف یعنی «سعید افغانی» بود. به گفته نویسنده، کتاب غلابینی با جمع میان اصالت و معاصرت، مطالب خویش را سامان داده و به شرح عمیق مدلول نص و شاهد، پرداخته است.

در شرح الشواهد الشعریة، در صورتی که شاعر شعری معلوم باشد، نام وی می‌آید؛ اگر معنای شاهد مورد نظر، جز با توجه به قبل یا بعد آن فهمیده نمی‌شود، ابیات قبل و بعد نیز پیوست می‌شود و اگر مطلع شعری که شاهد در آن قرار دارد، معروف باشد، مطلع آن را نیز ذکر می‌کند.

نویسنده، ذیل هر شاهد، مصدری را که به شعر استشهاد نموده، ذکر کرده و اگر مصادر متعدّد بوده، تعدادی از آنها را یاد کرده است. او موضعی را که نحویان به آن استشهاد نموده‌اند، نشان داده و به اعراب‌گذاری قسمت‌های مشکل ابیات پرداخته است. اگر شاهدی محلّ اختلاف بین نحویان بوده، این اختلاف را شرح داده و رأی خود را نیز ابراز می‌کند. او معنای ابیات دشوار را شرح می‌کند تا مخاطب، با سرعت بیشتری به قاعده نحوی منتقل شده و پیچیدگی معنای شعر، وقت او را نگیرد.

۲. معجم شواهد النحو الشعریة

کتاب «معجم شواهد النحو الشعریة» نوشته حنا جمیل حدّاد، کتابی است که به جمع آوری اشعار مورد استشهاد در کتاب‌های نحوی پرداخته است. این کتاب بدون بررسی محلّ استشهاد و چگونگی آن، تنها به گردآوری اشعار اقدام می‌کند.

ترتیب این اثر نیز بر پایه ترتیب الفبایی قوافی اشعار است. او شعرها را از رجزها جدا کرده است.

نویسند در مواردی که کتب نحوی به قطعه‌ای از شعر استشهاد کرده ولی منبعی برای آن ذکر نکرده‌اند، تلاش کرده تا قدیمی‌ترین منبع استشهاد را بیابد.

ج) چگونگی کشف قواعد از منابع شعری

گفته شد: با مطالعه مستمر کتاب‌هایی که به گردآوری و شرح شواهد شعری مطرح‌شده در منابع ادبی پرداخته‌اند، می‌توان به صورت عملی، روش آنها را فراگرفت و این روش را به طور مستقیم در بهره‌گیری از دواوین عرب، به کار گرفت.

راه دیگری که برای تمرین کشف قواعد وجود دارد، بهره‌گیری از «الکتاب» سیبویه است. سیبویه در کتاب خویش شواهد فراوانی را از شعر و نثر عرب استخراج کرده و با استفاده از آن به کشف و تبیین قواعد ادب عربی پرداخته است. روش او در استخراج قواعد می‌تواند راهنمای پژوهشگران و ایجاد چشم‌اندازی برای آنها جهت آشنایی با چگونگی کشف و تبیین قواعد ادبی باشد.

راهی نیکو برای فهم روش سیبویه، گردآوری - مثلاً - ۲۰۰ نمونه از کتاب او و مطالعه تقریر و توضیح وی و بررسی عملکرد او در هر یک از این نمونه‌هاست. با این کار، پس از مدتی برای محقق روشن می‌شود که از هر شعر، در صرف و نحو چگونه می‌توان بهره برد. سپس خود محقق خواهد توانست اشعاری که تا به حال از آن استفاده نحوی و صرفی نشده، مورد تحلیل قواعدی قرار دهد. برای روشنی بیشتر، چند نمونه ارایه می‌شود:

نمونه یکم

سیبویه مفعول مطلق را به دو نوع تأکیدی و نوعی تقسیم کرده و از دومی تعبیر به «حال» می‌کند. وی در عامل مفعول مطلق تأکیدی، جایی که مصدر، بدل از فعل مقدر باشد، آن را منصوب به فعل مقدر می‌داند؛ مانند «سیر علیه سیراً» که با اظهار فعل مقدر «سیر علیه یسیون سیراً» خواهد بود. سپس سیبویه برای اثبات رخداد چنین حالتی (مفعول مطلق تأکیدی بدل از فعل مقدر) این گونه به شعر عرب استناد می‌کند:

نظارة حین تَعْلُو الشَّمْسُ رَاكِبَهَا طَرَحًا بَعِينِي لِيَا ح فیه تحديد^۳

وی در این شاهد، «طرحاً» را مفعول مطلق تأکیدی برای فعل مقدر شمرده و چنین استدلال می‌دهد که مخاطب با توجه به عبارت «نظارة» حالت چشمان ناچه را که به این سو و آن سو نظر می‌کند، تصوّر کرده و این حالت را می‌داند، لذا تعبیر «طرحاً» که از طرح به معنای دورشدن و پرت‌شدن به اطراف بوده و در این جا به معنای حرکت چشم به اطراف است، تأکید این معنا و حالت

۳. و ظهر هنگام که خورشید بر بالای سر سوار می‌رسد، مرکب او (ناقه او) از فرط نشاط چشمانش همچون چشمان گاووان سفید وحشی با دقت به راست و چپ نگران است. «فاکد بقوله "طرحاً" و شدت لانه يعلم المخاطب حین قال "نظارة" أنها تطرح.» (الکتاب، ج ۱، ص ۱۴۱)

است، نه آن که بیان نوع نظر باشد. در نتیجه، مصدر منصوب در این جمله باید منصوب به فعل «تطرح» باشد که مقدر است و «طرحاً» با قرینه «نظاره» بر آن دلالت می‌کند.

در این نمونه، سیبویه برای اثبات تأکیدی بودن مصدر، به معنای عبارت «نظارة» و لازمه معنایی آن و سیاق سخن استناد کرده و در عین این که تأکیدی بودن مصدر مورد نظر را اثبات می‌کند، یکی از کاربردهای معنایی مفعول مطلق تأکیدی و نوع تأکید آن را با این مثال تبیین کرده است.

نمونه دوم

سیبویه عطف به معنا را جایز می‌شمرد. او در جایی که اسم فاعل به مفعولش اضافه شده و اسمی دیگر نیز بر مفعول عطف گردد، نصب مفعول معطوف را مجاز دانسته است. همچنین وی رفع معطوف بر مضاف الیه را به دلیل اضمار عامل رفع، جایز دانسته است. از نظر او دلیل عدم تبعیت معطوف از معطوف علیه در اعراب، اضمار فعل هم‌معنای اسم فاعل در گروه اول و اضمار عالم رفع در گروه دوم است.

وی برای اثبات این کاربری (امکان عطف به معنا) به دو آیه از قرآن کریم استناد می‌کند:

و لَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَ حَوْزٍ عَيْنٍ.^۴

در آیه دوم با وجود عطف «حور» بر «لحم»، «حور» مرفوع گشته است. دلیل این رفع، اضمار «لحم» بوده و قرینه آن، وجود این معنا در ماقبل است. در حقیقت استدلال سیبویه این است که عرب می‌تواند چیزی را تنها در معنا به ماقبلش عطف کند، به طوری که اگر این معنا در ماقبل بود، کلام مخالفی و مناقضی با آن چه اکنون بیان شده، نمی‌داشت. در این آیه نیز هرچند که عبارت «لحم طیر مِمَّا یشتَهون» عطف بر جملات قبلی بوده و مجرور به حرف جرّ است^۵ ولی اگر عبارت این گونه بود: «لحم لحم طیر مِمَّا یشتَهون و حور عین»، کلام همچنان درست بود.

مستند دیگر سیبویه برای اثبات این کاربری، شعری چنین است:

إلّا رواكذ جمرهنّ هباء	بادت و غیّر آیهنّ مع البلی
فبدا و غیّر ساره المعزاء	و مشججّ أمّا سواه قذاله

۴. الواقعة، ۲۱ و ۲۲.

۵. يَطْوِفُ عَلَيْهِمْ وَلِدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِقٍ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يُنْزِفُونَ وَ فَاكِهَةٌ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَ لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ.

در این دو بیت، «مشجج» با آن که بر «رواکد» عطف شده، اما مرفوع است؛ زیرا عبارت «الّا رواکد» به معنای «بها رواکد» است و «مشجج» در عطف بر «رواکد»، به این معنای آن عطف شده است؛ حال اگر قرار بود، که بر لفظ عطف شود، توجیهی برای رفع آن وجود نداشت.

در این نمونه مشاهده شد که سیبویه با استفاده از قواعد دیگر ادبیات عرب، یعنی لزوم تبعیت معطوف از معطوف علیه در اعراب و مشاهده نقض آن در این نمونه‌ها و همچنین توجه به مراد متکلم و همنشینی کلمات، قاعده‌ای دیگر از قواعد ادب عرب را کشف نمود.

نمونه سوم

سیبویه هنگامی که از مفعول معه سخن می‌گوید، به این بیت استناد می‌کند:

فکونوا انتم و بنی ابيکم مکان الکلیتین من الطحال

و همچنین این بیت:

و کان و اياها کحران لم یفق عن الماء اذ لاقاه حتی تقددا

وی دلیل بر مفعول معه بودن ما بعد واو را در بیت اول، نصب آن با وجود ضمیر انتم می‌داند؛ زیرا وقتی ضمیر فاعلی اظهار گردد، در صورت عطف اسم دیگری بر آن، طبق قاعده تبعیت معطوف از معطوف علیه در اعراب، معطوف نیز باید مرفوع گردد، اما در مثال مورد نظر، معطوف منصوب شده است و این نشان می‌دهد که نوعی از مفعول یعنی مفعول معه است.

در بیت دوم مستند ادعای سیبویه آن است که طبق قواعد موجود نحو، عطف اسم ظاهر بر ضمیر فاعلی بارز یا مستتر امکان‌پذیر نیست و برای عطف، لازم است که ضمیر، اظهار شود. یعنی از سویی، بدون اظهار، عطف قبیح است و از سوی دیگر، در صورت اظهار و عطف، اسم یا ضمیر ظاهر باید در اعراب از معطوف علیه تبعیت کند. حال در نمونه یادشده با این که ضمیر فاعلی مستتر اظهار نشده، عبارت «ایها» بعد از واو قرار گرفته و در اعراب نیز تبعیتی از ماقبل ندارد. بنابراین، «ایها» مفعول معه خواهد بود.

این دو کاربرد نشان می‌دهند که باید پای قاعده‌ای دیگر در میان باشد؛ قاعده‌ای که غیر از عطف است. سیبویه با کنار هم گذاشتن این دو نمونه و شواهد دیگر، به قاعده مفعول معه در زبان عربی دست پیدا کرد.

تا این جا سه نمونه از استشهادات سیبویه به اشعار و آیات قرآن برای دریافت قواعد مختلف، مشاهده شد. او در این سه نمونه برای استخراج قاعده، از عناصری مانند سیاق، مقتضای حال و مقام مخاطب و نیز مقارنت چند قاعده ادبی استفاده کرد. برخی از پژوهشگران و نویسندگان، پس از روش‌شناسی سیبویه و ادیبان اصیل دیگر، به ارائه یافته‌های خود در قالب مقالات علمی پرداخته‌اند. بهره‌گیری از نگاشته‌های آنان پیش از اجرای هر پژوهش دیگری، ضروری است؛ چراکه از کار تکراری جلوگیری کرده و نیز راه پژوهش را نشان می‌دهد.

نتیجه

شعر مهم‌ترین منبع قابل استناد در کشف قواعد صرف و نحو عربی است. ادیبان و نحوایان، به این استعمالات شعر عرب، بیش از سایر منابع، توجه کرده‌اند.

علوم زبانی مبتنی بر کشف هستند، از این رو یادگیری و تمرین کشف قواعد صرف و نحو از استعمال‌های شعری، امری ضروری است.

نخستین گام برای یادگیری روش استناد به اشعار، آشنایی با نمونه‌های استشهاد در منابع ادبی است. کتاب‌هایی مانند «شرح الشواهد الشعرية في أمات الكتب النحوية» برای تمرین این مسیر، مفید بوده و می‌تواند ذهنیت پژوهشگر را شکل دهد. همچنین بهره‌گیری از روش ادیبانی بزرگی چون سیبویه، می‌تواند راه درست استشهاد به شعر برای کشف قواعد صرف و نحو را نمایان سازد. استفاده از مقالات منتشرشده در این موضوع و در روش‌شناسی ادیبان نیز مفید است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اصول النحو العربی، محمد عید، قاهره، ۱۴۱۰ق.
۳. اصول النحو العربی، محمود احکد نحلة، بیروت، دار العلوم العربیة، ۱۴۰۷ق.
۴. اصول النحو، محمد سالم صالح، بیروت، دار السلام، ۱۴۲۷ق.
۵. اصول النحو، مدینه، جامعة المدينة العالمیة، ۲۰۱۰م.
۶. الخصائص، عثمان ابن جنی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۹ق.
۷. شرح الشواهد الشعرية في أمات الكتب النحوية، محمد محمد حسن شراب، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۷ق.
۸. القرارات النحوية و التصريفية، خالد بن سعود العصيمي، قاهره، دار التدمرية، ۱۴۳۰ق.
۹. الكتاب، عمرو بن عثمان سیبویه، ۱۴۱۰، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۰. المدارس النحوية، ابراهیم سامرائی، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۷م.